



۲۰۱۹/۰۱/۱۰



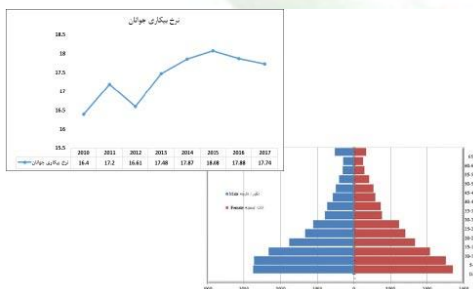
احمد محمدی

جمعیت جوان و مشکلات پیش روی دولت افغانستان

میزان جمعیت در هر کشور از جمله مهمترین فاکتور و متغیری است که باید حتما در تصمیم گیری‌های کلان اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مورد توجه قرار بگیرد. بدون شک پلانگذاری طویل‌مدت برای کشور بدون در نظر گرفتن چنین فاکتور و متغیری نه تنها منجر به شکست خواهد شد بلکه باعث می‌شود که بسیاری از منابع و امکانات کشور نیز در طول چند سال از بین برود. پلانگذاران و سیاستمداران با توجه به هرم سنی و بافت جمعیتی کشور سعی می‌کنند که خود را با مشکل‌هایی که ممکن است در سال‌های آینده اتفاق بیفتد، مورد بررسی قرار داده و خود را آماده مشکلات ناشی از افزایش، کاهش، پیری و جوانی جمعیت بکنند. کمیت، کیفیت و توزیع بهتر جمعیت در کشور و مهمتر از آن رشد جمعیت یکی از شاخص‌های تاثیر گذار در فرآیند توسعه پایدار است. بر خلاف گذشته که وظایف سنتی حکومت‌ها به حفظ نظم، امنیت عمومی و مبارزه با دشمنان و تهاجمات خارجی محدود می‌شد، در عصر کنونی این وظایف به سمت پلانگذاری و مسئولیت‌پذیری برای بهبود کمی و کیفی شاخص‌های زندگی و پاسخ به نیازهای جمعیتی و به طور کلی تسریع فرآیند توسعه سوق پیدا کرده است.

وضعیت و هرم سنی کشور افغانستان

طبق گزارشات اداره احصائیه مجموع نفوس کشور در سال ۱۳۹۷ حدود ۳۱,۶ میلیون نفر تخمین شده است که از جمله حدود ۱۶,۱ میلیون نفر آن مرد و حدود ۱۵,۵ میلیون نفر آن را زنان تشکیل می‌دهند. در تقسیم بندی دیگری نیز حدود ۲۲,۶ میلیون نفر جمعیت (۷۱,۵ فیصد) را نفوس دهاتی و ۷,۵ میلیون نفر (۲۳,۷ فیصد) را نفوس شهری و ۱,۵ میلیون نفر (۴,۸ فیصد) را نفوس کوچی تشکیل می‌دهد.



جدول پهلو هرم سنی جمعیت کشور افغانستان را نشان می‌دهد.

مشکلات پیش روی دولت افغانستان با توجه به هرم سنی

با یک مطالعه اجمالی در مورد هرم سنی کشور افغانستان به راحتی به این موضوع پی خواهیم برد که جمعیت کشور افغانستان جمعیت جوانی محسوب می‌شود به طوری که جمعیت بین ۰-۳۰ سال در این کشور حدود ۲۵ میلیون نفر میباشد که همین موضوع باعث می‌شود که دولت باید اقدامات اساسی را برای این جمعیت جوان در

نظر بگیرد. از جمله مشکلات پیش رو در صورت عدم پلانگذاری طویل المدت دولت، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

الف- تعلیم و تربیت

تعلیم و تربیت یکی از مهمترین مولفه‌های تاثیرگذار در روند توسعه و ترقی کشورها محسوب می‌شود. تقریباً تمامی کشورهای توسعه یافته پیشرفت خود در تمامی زمینه‌ها بخصوص پرورش نیروی انسانی مولد، خلاق و سازگار خود را مدیون تعلیم و تربیت غنی هستند. به همین دلیل است که کشورهای پیشرفته هر ساله سرمایه گذاری‌های زیادی را در بخش تعلیم و تربیت انجام می‌دهند زیرا که آینده کشورشان در گرو همین آموزش و پرورش است. کشور افغانستان در طی چند دهه جنگ‌های داخلی و خارجی قرار گرفته است و همین مورد باعث شده است که بسیاری از زیرساخت‌ها و امکاناتی که یک کشور برای پیشرفت و ترقی نیاز دارد از بین برود. یکی از پیامدهای رشد روز افزون جمعیت در کشورها افزایش تعداد افراد در سن تحصیلی و در نتیجه افزایش تقاضا برای امکانات آموزشی است. از این رو سالانه فیصد بسیاری از مصارف دولت باید صرف ایجاد امکانات، تامین نیروی انسانی کافی برای آموزش و فضای آموزشی گردد. این اعتبارات تنها از طریق حذف یا کاهش سهم بخش‌های دیگر جامعه امکان پذیر است که خود رشد و توسعه این بخش‌ها را دچار وقفه می‌سازد. بودجه وزارت معارف در سال ۱۳۹۷ در حدود ۳۷,۵ میلیارد افغانی بوده است. بیش از ۱۷,۵ هزار مکتب و نزدیک به ۱۹۶ هزار نفر معلم در سطح کشور موجود می‌باشند که با توجه به جمعیت محصلین این بودجه بسیار کم می‌باشد. در این شرایط باید سرمایه سنگینی متناسب با افزایش دانش آموزان به مراکز علمی و آموزشی اختصاص یابد و یا اینکه سهم سرانه محصلین کاهش پیدا کند که در هر دو صورت خسارت اقتصادی، اجتماعی، سنگینی را بر سرمایه‌های مالی و انسانی و سپس سرمایه اجتماعی تحمیل می‌کند. بنابراین به صورت کلی می‌توان گفت که اولین و مهمترین چالش پیش روی دولت بحث تعلیم و تربیت و ایجاد زیرساخت‌های کافی و در نظر گرفتن بودجه مناسب برای رفع این مشکل می‌باشد.

ب- بیکاری

امروزه اشتغال یکی از مشکلات بزرگ اجتماعی دنیاست و افزایش بی رویه جمعیت به این مشکل اجتماعی دامن می‌زند. با توجه به روش جمعیتی کشور افغانستان می‌توان گفت که در سال‌های آینده تعداد زیادی از جویندگان کار وارد بازار کار میشود که اگر پلان و سیاست‌های درستی در قبال این دسته از افراد اتخاذ نکنیم در آینده‌ای نه چندان دور شاهد تعداد افراد زیادی خواهیم بود که بیکار هستند و میتواند به یکی از معضلات اساسی دولت تبدیل شود. موضوع بیکاری جوانان را نباید تنها از منظر اقتصادی به آن نگریست. جوانان معمولاً دارای انتظارات و خواسته‌های سیاسی و اقتصادی بیشتری هستند که به دلیل توسعه نیافتگی سیاسی و در نتیجه عدم امکان مدیریت این مطالبات زمینه مساعدی برای جنبش‌ها، شورش‌های بحران‌ها، پیوستن به گروه‌های تندرو و تروریستی و در نتیجه بیثباتی و ناپایداری را فراهم می‌آورد. از نظر آسیب شناسی اجتماعی هم، بیکاری که نتیجه عدم تعادل و توزان بین رشد جمعیت، سرمایه گذاری‌ها و بهره برداری از منابع است، منشا بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی است. اگرچه رابطه بین ناهنجاری‌هایی چون فقر، فحشا، طلاق، دزدی، سرقت، ناامنی، قاچاق مواد مخدر، مشکلات روحی و روانی، انتحاری و عملیات تروریستی نیازمند مقاله جداگانه‌ای است اما مطالعه تطبیقی شاخص‌های فوق با رشد جمعیت و بیکاری در کشورهای در حال توسعه و از جمله افغانستان

این موضوع را تایید می‌کند. گراف بالا تعداد بیکاری جوانان را در بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷ با توجه به
معلومات بانک جهانی نشان می‌دهد.

پایان

